

اسناد پس از ۴۰ سال منع انتشار ندارند



بخش‌هایی از تقویم رسمی دولت ایران به سه زبان فارسی، انگلیسی و فرانسه در سال ۱۳۰۶ خورشیدی که توسط سید جلال‌الدین طهرانی استخراج شده است. این تقویم جلالی به موجب قانون مصوب ۱۱ فروردین ۱۳۰۴ در کشور اجرائی می‌شود. این قانون دو ماده دارد و بر طبق آن اول سال برابر با نخستین روز بهار و مبدأ تاریخ آن هجرت پیامبر اکرم (ص) از مکه به مدینه است.



مشخص نیست این دخترچه که لباس اشراف‌زادگان را به تن دارد، چه کسی است و تصویرش را کدام عکاس قاجاری ثبت کرده اما در شرح عکس یک جمله غمگین نوشته شده است: «هاجر خاتم که معروف است در سن یازده سالگی مراجعت به ارض شریف مقدس نمود و در لواسان از ناخوشی مرض و با فوت شد».



تصاویری از برگزاری کنکور سراسری در دهه ۴۰

در اختیار پژوهشگر قرار می‌گیرد که به زعم مسئولان آن مرکز، سند مجرمانه نباشد. در توضیح این سطر هم باید بگویم که بعضی اسناد نه سیاسی هستند، نه شخصی و قومیتی، یعنی در حالت عادی دلیلی برای پنهان کردنشان وجود ندارد اما در اختیار پژوهشگران قرار دادنشان خط قرمز تلقی می‌شود و ممنوعیت انتشار عکس را ببیند و حق دانلود مستقیمش را ندارد و باز هم برای داشتن آن عکس یا سند باید درخواست بدهد که باز اگر پذیرفته شود، در اختیارش قرار می‌گیرد. خان سوم نواقصی است که در آرشیو یا دسته‌بندی عکس‌ها و اسناد تاریخی نمایه‌شده وجود دارد؛ مثلاً پیدا کردن اسنادی که موضوع یکسانی دارند یا یک کلیدواژه مشخص سخت است؛ بیشتر اسناد بدون ثبت دقیق موضوع نمایه‌شده‌اند یا توضیحاتشان ناقص است و این مسیر جست‌وجو و پژوهش را کند می‌کند. ناگفته‌نماند که برخی پژوهشگاه‌ها در قبال در اختیار داشتن عکس یا سند‌هایشان هزینه می‌گیرند اما در نهایت هم اسنادی

آن روبه‌رو می‌شود. «نمایه» نبودن بسیاری از این اسناد است. چند سال انگشت شمار است که پژوهشگاه‌ها به دنبال نمایه کردن و در اختیار گذاشتن اسناد به شیوه دیجیتال هستند؛ برای همین تعداد اندکی از آن‌ها را می‌توان از طریق اینترنت و درگاه مجازی پژوهشگاه‌ها در اختیار داشت؛ البته پژوهشگر فقط می‌تواند آن سند یا عکس را ببیند و حق دانلود مستقیمش را ندارد و باز هم برای داشتن آن عکس یا سند باید درخواست بدهد که باز اگر پذیرفته شود، در اختیارش قرار می‌گیرد. خان سوم نواقصی است که در آرشیو یا دسته‌بندی عکس‌ها و اسناد تاریخی نمایه‌شده وجود دارد؛ مثلاً پیدا کردن اسنادی که موضوع یکسانی دارند یا یک کلیدواژه مشخص سخت است؛ بیشتر اسناد بدون ثبت دقیق موضوع نمایه‌شده‌اند یا توضیحاتشان ناقص است و این مسیر جست‌وجو و پژوهش را کند می‌کند. ناگفته‌نماند که برخی پژوهشگاه‌ها در قبال در اختیار داشتن عکس یا سند‌هایشان هزینه می‌گیرند اما در نهایت هم اسنادی

هما سعادت‌مند | کهنه‌کار نیستیم و هنوز مسیرهای پریپیچ و خم زیادی را برای یادگرفتن باید پشت سر بگذارم و اساساً آموختن هیچ‌وقت تمام نمی‌شود اما حالا حدود هفت سالی هست که بخش زیادی از ساعت‌های روزانه‌ام با خواندن تاریخ و جست‌وجو میان عکس‌ها و اسناد تاریخی گره خورده است؛ ساعت‌هایی شیرین اما سخت؛ سخت از آن جهت که اصولاً دستیابی به اسناد نه تنها در مشهد که در همه ایران کار آسانی نیست و شبیه گذر کردن از هفت خان رستم است. آن چنان که همیشه انرژی آدم در روند درخواست دادن، یافتن و دسترسی پیدا کردن به آن‌ها از بین می‌رود و این کار برای کسی که لازم است هر روز یا در هفته چندبار به صورت حضوری به مراکز اسناد سرزند و این مراحل را طی کند، بسیار فرسایشی می‌شود؛ البته همه این‌هاایی که گفته شد، در صورتی است که ابتدا شما به عنوان یک پژوهشگر مورد تأیید قرار گرفته باشید. خان دومی که یک پژوهشگر در هنگام ورود به مراکز اسنادی و پژوهشگاه‌ها با

مرکزی با ۸۰۰ میلیون برگ سند

بخش نخست این نشست به معرفی مرکز اسناد کتابخانه ملی ایران و داشته‌های آن گذشت. دکتر امیرخانی درباره کتابخانه ملی ایران به عنوان یکی از پژوهشگاه‌ها و مراکز مهم نگهداری اسناد ملی در ایران گفت: «سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران حاصل ادغام دو نهاد مستقل یعنی کتابخانه ملی (تأسیس ۱۳۱۶) و سازمان اسناد (تأسیس ۱۳۴۹) در سال ۱۳۸۱ است. این دو نهاد، در کنار یکدیگر، به مثابه دو بال هویتی ملت ایران، عهده‌دار حفظ میراث مکتوب و فرهنگی کشور هستند.

براساس قانون، این سازمان مرجع رسمی نگهداری، ارزشیابی، گردآوری و دیجیتال سازی اسناد ملی به شمار می‌رود و دستگاه‌های اجرایی کشور موظف‌اند اسناد تولید شده را پس از گذشت چهل سال به این سازمان تحویل دهند و این اسناد در صورت مجرمانه نبودن، هیچ منعی برای انتشار ندارند.

این مقام مسئول درباره ماهیت اسناد مجرمانه و منع انتشارشان هم چنین توضیح داد: «اغلب این اسناد، سند‌های شخصی و خانوادگی هستند و موضوعشان عموماً اختلاف قومیتی، مرزی و پزشکی است که برای ۱۲۰ سال منع انتشار دارند و این قانونی است که همه پژوهشگاه‌های جهان در رابطه با اسناد خانوادگی و سند‌های شخصی اعمال می‌کنند و تنها مختص به کشور ما نیست» به گفته رئیس کتابخانه ملی ایران، همچنین حدود ۸۰۰ میلیون برگ و ۴ میلیون جلد کتاب در مخازن این سازمان نگهداری می‌شود که از این میان حدود ۸ هزار سند مجرمانه و غیرقابل انتشار است ولی باقی می‌تواند در اختیار عموم قرار داده شود. قدیمی‌ترین یکی از مهم‌ترین اسناد کتابخانه ملی ایران هم متعلق به خاندان «اینجو»، در فارس و مربوط به حدود هفتصد سال پیش (دوره مغول) است که پیش‌تر در مقاله‌ای تخصصی بررسی شده است؛ همچنین در این مرکز، سند دیگری از شیخ اسحاق کارزونی (سال ۸۲۶ قمری) نگهداری می‌شود که از نظر نشانه‌شناسی تاریخی و نقوش مهر و امضای به‌کاررفته در آن اهمیت بسیار دارد.

پژوهشگاه‌ها و رفتار انحصارگرایانه درباره انتشار عکس‌ها و اسناد تاریخی

اما سال گذشته و امسال پس از انتشار تعدادی از عکس‌های کاخ موزه گلستان، انتقادهایی از سوی بسیاری از پژوهشگران مطرح شد، مبنی بر اینکه مراکز اسناد سراسر کشور، رفتاری انحصارگرایانه را درباره عکس‌ها و اسنادی که در اختیار دارند، در پیش گرفته‌اند و این شامل هر نوع عکس و سندی می‌شد، زیرا عکس‌های منتشر شده از کاخ موزه گلستان نشان داد این تصاویر که برای سال‌ها در آرشیو بودند و نمایش عمومی نداشتند، نه تنها مجرمانه نبودند که تنها شمایی از زندگی و زیست اجتماعی مردم در دوره قاجار ثبت کرده بودند.

دکتر امیرخانی در پاسخ به چرایی این رفتار انحصارگرایانه هم گفت: «متأسفانه این نکته درست است و من نیز آن را قبول دارم، خود من یک سال و نیم هم هست برای بررسی یک نسخه ادبی که در



صورت جلسه ۲ آبان ۱۳۰۵ خورشیدی هیئت مروجین ورزش برای تهیه مقدمات حرکت فوتبالست‌های ایرانی به یادکوبه تأسیس «هیئت مروجین ورزش» به همت علی اصغر حکمت است. آن هم در زمانی که رئیس اداره تفتیش در وزارت معارف است. فدراسیون‌ها در آن زمان «جمع ترقی و ترویج» نام داشته‌اند. به طور مثال «جمع ترقی و ترویج فوتبال».



شرایط صدور تذکره برای ایرانیان در اول اردیبهشت ۱۳۰۹ خورشیدی. این سند نامه مجرمانه ریاست وزرا به وزارت داخله است که در مورد صدور تذکره گفته است مسافرت اتباع داخله که برای مسافرتشان نیاز به ارز ندارند، منعی ندارد. بله، در روزها بدون ارز هم می‌شد رفت خارج.



این تصویر را یوسف خان عکاس باشی در دوره قاجار از سلیم نوکر مهدعلیا (مادر ناصرالدین شاه) گرفته که پس از مرگ بانویش، در صاحبزبانیه گذران روزگار می‌کرده است. در شرح عکس نوشته‌اند: «سلیم خان‌زاد مرحومه مغفوره مهدعلیا طاب تراه است که در صاحبزبانیه ۱۰ ربیع‌الاول سنه ۱۳۱۲ عکس افتاده است.» از سلیم چند عکس با زیست‌های مختلف در کاخ موزه گلستان نگهداری می‌شود و این در حالی است که از بسیاری از درباریان و سران مملکت در دوره قاجار تصویری وجود ندارد.



کارت پستال آرامگاه سعدی در شیراز

مرکز اسناد آستان قدس رضوی نگهداری می‌شود، درخواست داده‌ام اما تاکنون به این درخواست پاسخی داده نشده است. متأسفانه این انحصارگرایی وجود دارد و باید قوانین دیگری برایش نوشت یا فرهنگ سازی کرد و دیدگاه دیگری درباره این موضوع در پیش گرفت.»

حفظ و نگهداری نسخ خطی و اسناد دیجیتال در حملات سایبری

دکتر امیرخانی در ادامه با تأکید بر اینکه حفظ و نگهداری نسخ خطی، اسناد دیجیتال و سایر انواع منابع مکتوب از مسئولیت‌های اصلی سازمان کتابخانه ملی ایران و دیگر پژوهشگاه‌های کشور است، صحبت را به سمت امنیت سایبری و دیجیتال برد و چنین توضیح داد: «موضوعی که در چند سال اخیر با آن سروکار داریم، امنیت سایبری و دیجیتال است؛ زیرا بخشی از فعالیت‌هایی که آرشیوی است و کارمندان با یگانی‌ها در سازمان‌های مختلف انجام می‌دهند، به موضوع امنیت دیجیتال بازمی‌گردد. در واقع به همان نسبت که تولید و نگهداری اسناد دیجیتالی آسان است، حذف آن‌ها با حملات سایبری هم آسان است؛ بنابراین نیازمند تجهیزات زیرساخت‌های پیشرفته‌تری هستیم.»

این مقام مسئول همچنین گفت که «به دنبال بهره‌مندی استفاده از هوش مصنوعی و برگزاری نمایشگاه مجازی برای دسترسی آسان علاقه‌مندان به اسناد هستیم و این مهم‌ترین هدف سازمان ما در دوره جدید است. پروژه‌هایی هم در زمینه به‌کارگیری هوش مصنوعی برای بازبینی هوشمند اسناد آغاز شده است؛ همچنین در تلاشیم نسخه‌های دیجیتال اسنادی را که مربوط به کشورهای دارای پیوند فرهنگی با ایران هستند (نظیر شبه قاره هند) تهیه کنیم و در دسترس قرار دهیم؛ در هندوستان برای ۳۵۰ سال زبان فارسی زبان رسمی مردم بود و در این کشور، حجم عظیمی از کتاب‌ها و اسناد فارسی وجود دارد که شرایط نگهداری بسیاری از آن‌ها مطلوب نیست. ناگفته‌نماند که فعلاً امکان انتقال اصل این اسناد به کشور وجود ندارد اما می‌توان از آن‌ها تصویربرداری کرد.»

نقص در شیوه آرشیو بندی و ارائه توضیحات اسنادی

امیرخانی در جایی دیگر از صحبت‌هایش گریزی می‌زد به شیوه آرشیو بندی و نقص‌هایی که آن حوزه وجود دارد (از

نه تنها پژوهشگران که نسل جوان هم باید حقایق را بدون تحریف بداند

امیرخانی در پایان با اشاره به برنامه‌ریزی‌های جدید برای همکاری بهتر با پژوهشگران و سهل‌الوصول کردن اسناد و شیوه همکاری با آنان گفت: «متعقدم که نه تنها پژوهشگران که نسل جوان هم باید حقایق را بدون تحریف بدانند، برای نمونه انتشار اسناد و عکس‌های تاریخی نشان می‌دهد که انقلاب ایران یک حرکت مردمی بود، نه تحریک خارجی. تا جایی که امکان دارد باید همه اسناد را در دسترس قرار دهیم تا نسل جوان ببیند چگونه قاطبه مردم، انقلاب اسلامی را به پیروزی رساندند. متأسفانه فضای مجازی پر از روایت‌های نادرست از تاریخ معاصر است.

ما باید با انتشار اسناد واقعی، تصویر درستی از گذشته و انقلاب ارائه دهیم تا نسل جوان گمراه نشود. انتشار اسناد به جز موارد معدودی، کار درستی است و تا جایی که می‌شود باید محدودیت‌ها کاهش یابند. مردم ایران به ویژه جوانان، هوشمندانه حقایق را تشخیص می‌دهند. وظیفه ما این است که اسناد را در اختیارشان قرار دهیم تا خودشان قضاوت کنند. اکنون بیش از ۹۰ درصد نسخه‌های خطی روی سایت سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی در دسترس است.»

